

مکان‌یابی مرهشی باستان بر اساس داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی

ابراهیم مرادی*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام

(از ص ۹۹ تا ۱۱۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۳/۰۲؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۰۵/۱۵

چکیده

بر اساس داده‌های تاریخی، مرهشی یکی از نواحی پرتنش ایران در هزاره‌های دوم و سوم ق.م بوده که در بیشتر زمان حیاتش یکی از متحدان مهم ایلام باستان بوده است و نام آن همواره در کنار نام ایلام باستان در کتیبه‌ها و سالنامه‌های به‌دست آمده از میان‌رودان ذکر شده است. هدف این مقاله تعیین موقعیت جغرافیایی منطقه یا شهر مرهشی است. در مورد مکان مرهشی نظریات متفاوتی وجود دارد؛ براساس داده‌های مکتوب و نظر اکثر باستان‌شناسان بایستی در محدوده استان ایلام به جستجوی منطقه مرهشی پرداخت. در یک بررسی باستان‌شناسی که نگارنده اخیراً در منطقه پشت‌کوه ایلام صورت داده است، محوطه‌های متعددی متعلق به دوره ایلام باستان شناسایی شده است. از جمله این محوطه‌ها می‌توان به محوطه «کول‌خزینه» اشاره نمود. داده‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده از محوطه مذکور حاکی از اینست که به احتمال زیاد محوطه کول‌خزینه، همان مرهشی باستان یا مرکز مهمی مرتبط با مرهشی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: استان ایلام، مرهشی، کول‌خزینه، ایلام باستان، مکان‌یابی

۱- مقدمه

مطالعه متون کهن و ردیابی نوشته‌های تاریخی از طریق پژوهش‌های باستان‌شناسی، سبب کشف رمز و راز مکان‌های تاریخی بسیار و نیز به دست آمدن اطلاعات ذی‌قیمتی شده است. مکان‌یابی جای مناطق در هر دوره تاریخی به روش‌های خاصی برای آن دوره و آن منطقه نیاز دارد. محققان و باستان‌شناسان در هنگام بررسی هر یک از داده‌های مکتوب و باستان‌شناختی از روش مطالعاتی خاصی استفاده می‌نمایند که دلیل آن ماهیت متفاوت این دو دسته از داده‌هاست. ناهماهنگی میان داده‌های مکتوب و داده‌های باستان‌شناختی، یکی از مشکلات بیشتر پژوهش‌های باستان‌شناسی دوره تاریخی و به خصوص مطالعات دوره ایلامی است (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۱۹۹ و ۲۱۱). در این تحقیق، با آگاهی از چنین مشکلی سعی شده است تا با استفاده از منابع مکتوب و تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی به مکان‌یابی یکی از مناطق باستانی ایران به نام مرهشی پرداخته شود.

۲- موقعیت مرهشی بر اساس منابع تاریخی

واژه «مرهشی» در منابع مختلف به صورت‌های گوناگونی آورده شده است: مرهشی، مارهاشی، ورهشی، مرهشه، ورهشه، ورخشه، باراخشه، واراخشه، وارخاشی، برهشوم، براهشی و باراهشوم. به عنوان مثال، مجیدزاده به صورت ورهشه و مرهشه (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۶-۱۱۸ و ۱۲۷) و نگهبان، به صورت باراخشه و واراخشه آورده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۵۰۸). در منابع تاریخی دقیقاً مشخص نیست که مرهشی اسم یک شهر است یا همانند جنوب میانرودان اسم یک دولت‌شهر، و یا این‌که نام یک منطقه جغرافیایی با تعدادی مرکز مسکونی. نام منطقه مرهشی در متون کهن، همواره در کنار نام ایلام باستان، چه در فهرست فتوحات پادشاهان میانرودانی و چه در سرکشی‌ها و شورش‌ها علیه میانرودانی‌ها، ذکر شده است. غالباً چنین به نظر می‌رسد که مرهشی به انگیزه حفظ خود، با ایلام باستان روابط دوستانه‌ای داشته است. قدیمی‌ترین سند مکتوبی که در آن از منطقه مرهشی نام برده شده، کتیبه‌ای طولانی است در باره «لوگل‌ان‌موندو» پادشاه تنها سلسله شهر ادب، که یکی از سلسله‌های دوران قدیم میانرودان در حدود اواسط هزاره سوم ق.م است. در این کتیبه، نام این پادشاه همراه با شرحی از پیروزی‌ها و فعالیت‌های عمرانی او بیان شده است. در شرح پیروزی‌های این پادشاه، نبرد او با ایلام، مرهشی و گوتیوم نیز ذکر شده است (کامرون، ۱۳۷۲: ۲۲ و مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۸۲). در زمان سارگون اکدی (حدود ۲۲۷۹ - ۲۳۳۴ ق.م) زمینه مطمئن‌تری از تاریخ ایلام باستان در دست است. دو کتیبه از زمان سارگن در این زمینه اطلاعاتی را ارائه می‌دهد. یکی از این کتیبه‌ها حاوی جزئیات بیشتری است و با وجود خلاصه بودن آن، اشاره‌های مهمی در آن به چشم می‌خورد. تمام شواهد موجود در این کتیبه نشان می‌دهد که ساختار حکومت ایلام باستان بر اتحاد میان بخش‌های مختلف پایه‌ریزی شده بود. از مطالب این کتیبه درباره پیروزی سارگون بر فرمانروای مرهشی چنین برمی‌آید که این ایالت متحد ایلام؛ خود نیز اتحادی از قسمت‌های گوناگون بوده است. در کتیبه نام فرمانروای مغلوب نیامده، اما نام برادر فرمانروا و نیز نام قاضی مرهشی ذکر شده است. احتمال دارد که پس از شکست، این دو تن با هم حکومت کرده باشند. نکته مهم اینست که مرهشی خود نایب‌السلطنه‌ای داشته که پس از پیروزی اکدی‌ها به شخصی به نام «سیدگو» انتقال یافته است. کتیبه دوم سارگون باید پس از مدت‌ها و گذشت زمانی نسبتاً طولانی از تهیه کتیبه نخست، در

لشکرکشی دیگری از جانب فرمانروای اکد به «شرق سرکش»، نوشته شده باشد. این کتیبه نام چند تن از افرادی را که در کتیبه نخست آمده بود، دوباره ذکر می‌کند که در میان آنها نام نایب‌السلطنه «سیدگو» نیز به چشم می‌خورد. از این‌رو، شخص مذکور می‌بایست نقش مهمی را در سیاست مرهشی بازی کرده و به عنوان نایب‌السلطنه دست‌نشانده از جانب سارگون به حکومت رسیده باشد. مهم‌ترین نتیجه‌ای که از مطالعه دو کتیبه سارگون حاصل می‌شود، اینست که ایلام و همسایه شمال‌غربی آن مرهشی، مطمئناً اتحادی را با یکدیگر تشکیل داده بودند که در طول هشتصدسال تاریخ بعدی ایلام باستان، پابرجا بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶-۷).

چنین بر می‌آید که نحوه حکومت در کشور ایلام و مرهشی به صورت سیستم فدرال بوده و از نیمه دوم هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم ق.م، کشور ایلام بدین‌شکل اداره می‌شده است (Henrickson 1987: 211؛ مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶-۷ و نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۸۲). مهم‌ترین مناطقی که سارگون فتح نموده ایلام، مرهشی و اوان می‌باشد (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۹۹). سارگون خود را «شاه کیش، فاتح ایلام و مرهشی» لقب می‌دهد (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۲). یکی از نخستین نقاطی که سارگون فتح می‌نماید، شهر در (Der) یا شهر بدره کنونی در کشور عراق، نزدیک به شهر مهران در استان ایلام کنونی است، این شهر مشرف به یکی از معابر خروجی کوه‌هاست (کامرون، ۱۳۷۲: ۲۴-۲۵). این مسیر از این دوره به بعد به مهم‌ترین مسیر برای لشکرکشی‌ها تبدیل می‌شود و چه سپاهیان میانرودانی و چه ایلامی‌ها برای تهاجمات خود به طرفین از این مسیر استفاده می‌نمایند. سابقه استفاده از این مسیر به دوره سلسله‌های قدیم می‌رسد (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴۱). ریموش (۲۲۷۰-۲۲۷۸ ق. م) پسر سارگن، در آکد تازه به جای او نشسته بود که شاه «هیشپ‌راتب» ایلامی و شاه «آبالگاماش» مرهشی از این فرصت برای به‌هم پیوستن نیروهایشان به منظور برافکندن یوغ خاندان سارگن استفاده کردند. اما پیش از آنکه ریموش بتواند درباره طغیان این کوه‌نشینان فکری کند، ناچار بود تا طغیان‌های درون میانرودان را فرو نشاند. وی بعد از فتح در، راه خود را در همان مسیر سختی که پدرش یکبار در آن جنگیده بود، به کوهستان‌های پشتکوه^(۱) و به سوی دره کرخه گشود (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۵). ریموش برای سرکوبی دشمنانش به ایلام لشکرکشی نمود. اگرچه در شرح این لشکرکشی از ایلام نام برده شده است، پیروزی اصلی برای اکدی‌ها در جنگ با مرهشی خلاصه می‌شد؛ زیرا این محل صحنه یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های سارگون، پدر ریموش بود. بنا بر گفته کتیبه‌های ریموش، سپاهیان ایلام و سرزمینی به نام «زهری» علیه او متحد شدند. رهبری این اتحادیه به دست «آبالگاماش» پادشاه مرهشی بود و سیدگو فرماندار مرهشی او را همراهی می‌کرد. جنگ در محلی میان اوان و شوش، در ساحل رودخانه‌ای (احتمالاً کرخه) به نام کابینیت/ کینیتو/ قبلیتوم در گرفت. نتیجه این پیروزی تنها بازپس گرفتن مرهشی از دست ایلامی‌ها نبود، بلکه ویرانی بعضی از شهرهای ایلامی و برقراری حاکمیت و دریافت خراج سالانه از ایالت ایلام را نیز در پی داشت (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۰۰). متحدان در مقابل ریموش شکست خوردند و از دره‌ها به سوی دشت شوش رانده شدند. سرنوشت شاه هیشپ‌راتب، معلوم نیست، لیکن کشورش توسط ریموش به سختی آسیب دید (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۵، کامرون، ۱۳۷۲: ۲۴-۲۷، پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۹، مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶-۷). ظاهراً کتیبه‌های ریموش بیانگر اینست که وی در منطقه مرهشی با نیروهایی متشکل از زهر، ایلام و مرهشی رویارو شده و مرهشی قبل از رسیدن به شوش به تصرف درآمد. است. به عبارت دیگر مرهشی در منطقه‌ای بین در و شوش یعنی پشت‌کوه امروزی در استان ایلام قرار داشته است. رودخانه کابینیت ممکن است سیمره (کرخه علیا) باشد و بدین ترتیب بر مکانی در پشتکوه دلالت دارد.

نام سیدگو (فرمانده‌ای از مرهشی) و ابل‌گمش (پادشاه مرهشی) هوری است و ممکن است به مکان مرهشی در شمال اشاره داشته باشد تا شرق شوشان (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴۴ و ۱۶۵ و جدول ۶-۴).

«نارام‌سین» (۲۲۱۸-۲۲۵۴ ق.م) آخرین پادشاه قدرتمند اکدی است. در مدارک کتبی متعلق به دوران این پادشاه، اشاره‌ای به لشکرکشی نارام‌سین به شوش یا قیام ایلام در برابر میانرودان نشده است. این امر با معاهده‌ای که میان نارام‌سین و پادشاه اوان منعقد گردیده به اثبات می‌رسد (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۰۳ و ۱۳۷۰: ۸). در این زمان پادشاه مرهشی شخصی به نام «هوشوم‌کیبی» بود که ظاهراً در برابر نارام‌سین مقاومت نموده است، لیکن سرانجام به زنجیر کشیده شد و مرهشی نیز در کنار ایلام، فرمانگزار اکد شد (کامرون، ۱۳۷۲: ۲۹ و هینتس، ۱۳۷۱: ۸۷-۹۰). مدارکی از زمان جانشینان نارام‌سین نشان می‌دهد که شرکی‌شری (۲۱۹۳-۲۲۱۷ ق.م) با پسرش به منظور ازدواج با شاهزاده‌خانمی اهل مرهشی از نیپور رهسپار شرق شده‌اند (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۷۲). این امر می‌تواند به دلیل همسایگی این دو منطقه یعنی نیپور و مرهشی بوده باشد زیرا از لحاظ جغرافیایی منطقه پشت‌کوه در همسایگی شرق نیپور قرار دارد.

برقراری پیوندهای سیاسی در دنیای باستان با هدف ایجاد آرامش و امنیت در مرزها صورت می‌گرفته که در اغلب موارد نیز نتیجه‌بخش بوده است. «شولگی» (حدود ۲۰۴۷-۲۰۹۴ ق.م) مهم‌ترین فرمانروای سلسله سوم اور است. از آنجایی که شولگی در طول حکومتش قلمرو فرمانروایی خود را به لحاظ سیاسی و نظامی گسترش زیادی داد، در ایلام آثار متعددی از خود برجای گذاشته است. او در هیجدهمین سال سلطنت خویش یکی از دختران خود را به همسری فرماندار مرهشی درآورد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۹). مرهشی یکی از ایالات ایلامی بود که نقش مهمی در تاریخ پادشاهان اکدی بازی می‌کرد و احتمالاً بر اثر همین اهمیت بود که شولگی برای تحکیم پایه‌های سلطنت خویش یکی از دختران خود را به همسری شاهزاده مرهشی درآورد. در زمان امرسین (۲۰۳۸-۲۰۴۶ ق.م) جانشین شولگی، در مرهشی فرمانداری از سوی او گمارده شد. آمد و شد بی‌وقفه پیک‌ها از شرق و شمال جاده‌ها به جنوب میانرودان، گواهی بر وضعیت آرام منطقه در این دوره است (همان، ۱۳۷۶: ۱۱۶ و ۱۱۸). در نوشته‌های دوره اور III بارها از مرهشی نام برده شده است، به ویژه در مورد رفت و آمد سفیران؛ لیکن موقعی که «ایی‌سین» شوش، امدون و اوان را در یک‌روز درهم می‌کوبد، خبری از درگیر شدن مرهشی نیست و به نظر می‌رسد که فرماندار دست‌نشانده امرسین در این دوره هنوز به کار خود ادامه داده است (پاتس، ۱۳۸۵: جدول ۲-۵ و ۳-۵).

در دوره ایسین لارسا (۱۸۰۰-۲۰۰۰ ق.م)، «آنوم‌وتابیل»، نایب‌السلطنه در مدعی می‌شود که سپاه ایشان، ایلام و شیماش را درهم کوبیده و مرهشی را به تصرف درآورده است (همان، ۱۳۷۰: ۱۲ و ۱۳۷۶: ۱۲۷). یکی دیگر از وقایعی که در این زمان اتفاق می‌افتد اینست که ظاهراً به هنگامی که ریم‌سین پادشاه لارسا برای مقابله با حمورابی (۱۷۵۰-۱۷۹۲ ق.م) به سرزمین ایلام توسل جست، ایلامیان به این درخواست پاسخ مثبت داده و مرهشی را پایگاه خویش ساختند و از آنجا به سوبارتوم، گوتیوم، اشوننا و مالگیوم تاختند، لیکن در نهایت به دست سپاه حمورابی شکست خوردند (کامرون، ۱۳۷۲: ۶۱-۶۲). حمورابی با افتخار گزارش می‌کند که او لشکر ایلام و متحدانش را که در مرز مرهشی گرد آمده بود درهم شکسته است (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۱۳). این کتیبه نیز نشان می‌دهد که مرهشی در منطقه‌ای نزدیک به لارسا و ایلام و در حد فاصل بین ایلام و بابل قرار داشته است که حکومت لارسا و ایلامیان توانسته‌اند از آن به عنوان یک پایگاه برای حمله به بابل استفاده نمایند.

هم‌زمان با دوران سلطنت کاسی‌ها در بابل، بار دیگر نام مرهشی به عنوان حامی ایلامی‌ها در جنگ کوری‌گالزوی دوم (۱۳۲۴-۱۳۴۵ ق. م) پادشاه کاسی بابل، به میان می‌آید. داستانی بسیار دل‌انگیز در وقایع نامه‌ای متاخر می‌گوید که «هورپاتیلا» شاه ایلام از «کوری‌گالزو» خواست تا در «دورشولگی» که نام دژی بود که به وسیله شاه بزرگ سلسله سوم اور ساخته شده بود، با وی نبرد کند. نیروهای دو طرف با یکدیگر درگیر شدند، سربازان هورپاتیلا وی را فرو گذاشتند و ایلام بخشی از امپراتوری کوری‌گالزو گردید (کامرون، ۱۳۷۲: ۷۵). کوری‌گالزو بر تمام سوزیان دست یافت، پیروزی‌ای که در پایتخت شوش، آن را جشن گرفت، جایی که وی مجسمه خود را به یک معبد بخشید، با کتیبه‌ای اینچنین: «کوری‌گالزو شاه ملت‌ها، حکمران مطلق شوش و ایلام، نابوده‌کننده مرهشی». حمله مثل اغلب اوقات گذشته از بابل شروع شد، در طول کوه‌های شمال شرق، کبیرکوه و به دشت ایلام ختم شد و مثل همیشه این مرهشی متحد ایلام بود که ضربه اول حمله را تحمل کرد (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۳۱). به نظر می‌رسد در این کتیبه فقط مناطقی را که کوری‌گالزو نام آورده فتح نموده و بقیه کشور ایلام باستان در دست او قرار نگرفته است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۵۰۸).

با مطالعه منابع تاریخی به نظر می‌رسد که کوری‌گالزو واقعا نابودکننده مرهشی بوده و از این تاریخ به بعد، دیگر هیچ نامی از مرهشی در منابع تاریخی و به ویژه به هنگام لشگرکشی‌های مختلف به میان نمی‌آید. در واقع، دوره حیات مرهشی از زمان سلسله‌های قدیم III آغاز شده و با لشگرکشی کوری‌گالزو پایان می‌یابد.

۳- نظرات مختلف در خصوص موقعیت مرهشی

«فرانسوا والا» مکان احتمالی مرهشی را در بلوچستان ایران می‌داند. ایشان موقعیت شیماشکی را در استان کرمان قرار داده و مکان مرهشی را در همسایگی شرق آن در بلوچستان ایران می‌داند (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۲ - ۱۹۳)؛ این در حالی است که نتیجه مطالعات اخیر حاکی از آنست که مکان شیماشکی باستان نه در منطقه کرمان، بلکه به احتمال زیاد در منطقه زاگرس مرکزی واقع است (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸؛ هینتس، ۱۳۷۱: ۸۱؛ ساخت، ۱۳۸۱: ۳۵۸؛ جانسون، ۱۳۸۱: ۵۷۹؛ Henrickson 1987: 212). نتیجه‌گیری‌های فرانسوا والا در خصوص موقعیت منطقه مرهشی صرفا بر اساس تفسیر و تحلیل داده‌های مکتوب استوار است. قسمتی از منابع کتبی که ایشان بحث نموده، مربوط به لشگرکشی‌های پادشاهان میانرودان است، به طور مثال هنگامی که در دوره ایسین-لارسا، «آنوموتابیل»، نایب‌السلطنه در مدعی می‌شود که سپاه انشان، ایلام و شیماش را درهم کوبیده و مرهشی را به تصرف درآورده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۲)، والا این اشاره را حاکی از این می‌داند که مرهشی در بیرون از ایلام و در شرق قرار داشته است، در صورتی که اگر مرهشی در شرق ایران یعنی بلوچستان یا کرمان قرار می‌داشت بایستی ابتدا انشان، ایلام و شیماش تصرف می‌شدند. در حالی که متن مذکور به وضوح عکس این مطلب را می‌رساند، در این متن اشاره شده که نایب‌السلطنه در سپاهیان انشان، ایلام و شیماش را درهم کوبیده، لیکن مرهشی را که در دسترس بوده و در منطقه نزدیکتری به در یعنی پشت‌کوه امروزی در استان ایلام قرار داشته به تصرف درآورده است، «والا» در جایی دیگر اشاره می‌کند که نارام‌سین چیرگی و تسلط خود را بر «سراسر ایلام تا حد و مرز مرهشی» تأیید می‌نماید، والا این اشاره را نیز حاکی از این می‌داند که مرهشی در بیرون از ایلام و در شرق قرار داشته است. چنین به نظر می‌رسد که در ترجمه این کتیبه اشتباهی رخ داده است زیرا در کتیبه‌های متعلق به دوران این پادشاه هیچ اشاره‌ای به لشکرکشی نارام‌سین به شوش یا

قیام ایلام در برابر میان‌رودان نشده است (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۰۳ و همو، ۱۳۷۰: ۸). در این زمان پادشاه مرهشی شخصی به نام «هوشوم کیبی» بوده که ظاهراً مقاومت‌هایی در برابر نارامسین نموده است لیکن به زنجیر کشیده شده و مرهشی نیز در کنار ایلام فرمانگزار آکد شده است (کامرون، ۱۳۷۲، ۲۹ و هینتس، ۱۳۷۱، ۸۷ - ۹۰). در واقع، در منطقه بلوچستان ایران تاکنون آثار فرهنگی مربوط به سال‌های ۱۹۰۰ - ۱۰۰۰ ق. م شناسایی نشده است (سیدسجادی، ۱۳۸۸: ۱۹۹ - ۲۱۱)؛ و به نظر می‌رسد که منطقه مذکور در سال‌های ۱۹۰۰ - ۱۰۰۰ ق. م خالی از استقرارهای مهم بوده است. این در حالی است که کوری‌گالزوی دوم (۱۳۲۴ - ۱۳۴۵ ق. م) پادشاه کاسی بابل نابوده کننده مرهشی است (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۳۱)؛ و مرهشی تا این زمان به عنوان یک مرکز مهم به حیات خود ادامه داده است.

«استینکلر» مکان مرهشی را در مشرق فارس و استان کرمان می‌داند (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۲ و پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۳). به طور کلی، معروف‌ترین و شاخص‌ترین داده‌های باستان‌شناختی استان کرمان همیشه در بازه زمانی هزاره چهارم و سوم ق. م شناسایی شده‌اند و با ورود به هزاره دوم ق. م این منطقه دیگر نقش زیادی در تبادلات منطقه و به خصوص مطالعات ایلامی ندارد. مهم‌ترین مکان استقراری حوزه کرمان تپه یحیی است که استقرار در آن فقط تا ۱۷۰۰ ق. م ادامه داشته است (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۹ و جداول ۲ و ۴). در بین محققان مختلف فقط والا و استینکلر، مرهشی را در شرق استان خوزستان قرار داده‌اند و اکثر محققین جایگاه مرهشی را در شمال و شمال‌غربی استان خوزستان و منطقه پشتکوه در استان ایلام می‌دانند. به نظر والترهینتس، مرهشی به احتمال قوی در منطقه کوهستانی پشتکوه و سرزمین اطراف کرخه علیا در قسمت شمال‌غرب سوزیان است. مرهشی به انگیزه حفظ خود، مسلماً با ایلام باستان روابط دوستانه‌ای داشته است زیرا هر حمله‌ای که میان‌رودانی‌ها علیه ایلام طرح می‌کردند لزوماً از مسیر مرهشی می‌گذشت (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۲). مجیدزاده و نگهبان نیز موقعیت مرهشی را در شمال‌غربی ایلام می‌دانند (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۷ و نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۸۲). به نظر جورج کامرون نیز مرهشی در نواحی غربی یا شمال‌غربی دشت خوزستان بوده و در واقع پایگاهی بوده است که ایلامیان از آنجا به میان‌رودان می‌تاختند (کامرون، ۱۳۷۲: ۶۱ - ۶۲).

با بررسی و مطالعه منابع تاریخی آنچه حاصل می‌شود اینست که در جایی در شمال یا شمال‌غربی دشت خوزستان، یعنی در منطقه پشتکوه استان ایلام که حد واسط بین شوش و بابل محسوب می‌شود، بایستی به جستجوی مرهشی پرداخت. همچنان که از کتیبه‌های ریموش بر می‌آید وی با نیروهایی متشکل از زهر، ایلام و مرهشی در منطقه مرهشی با آنها رویارو شده است و مرهشی قبل از رسیدن به شوش به تصرف درآمده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴۴ و ۱۶۵ و جدول ۶ - ۴).

در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی اخیر نگارنده در حوزه منطقه پشتکوه در استان ایلام، محوطه‌های باستانی متعددی متعلق به دوران ایلام باستان، شناسایی شده است. از جمله این محوطه‌ها می‌توان به محوطه باستانی و بسیار مهم «کول خزینه» اشاره نمود. موقعیت این محوطه، داده‌های باستان‌شناختی و بازه زمانی که محوطه مذکور در آن دوره شکوفا بوده تا حدود زیادی با موقعیت مرهشی باستان برابری می‌کند. از آنجایی که به نظر می‌رسد این محوطه به احتمال زیاد در ارتباط با منطقه مرهشی باستان است، در ادامه به بیان داده‌های باستان‌شناسی به دست آمده از این محل اشاره می‌شود.

۴- بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی محوطه کول‌خزینه

این محوطه در نزدیکی رودخانه کرخه و در حدود ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر آبدانان در استان ایلام قرار دارد. ویرانه‌های شوش در فاصله حدود ۶۰ کیلومتری و محوطه هفت‌تپه در فاصله حدود ۷۷ کیلومتری جنوب‌شرق آن به خط مستقیم واقع شده‌اند (نقشه ۱).

کول‌خزینه برای اولین بار در جریان فصل سوم بررسی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان در سال ۱۳۸۴ شناسایی شد. در گاهنگاری این محل، یافته‌های سطحی به دوره‌های مفرغ و ایلام میانی نسبت داده شده است (مرادی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۰۲). با توجه به اهمیت این محوطه و احتمال ارتباط آن با نقاط تاریک تاریخ و تمدن ایلام، در سال ۱۳۹۱ به صورت موردی، مورد بررسی و شناسایی مجدد قرار گرفت (تصویر ۱). در بررسی سطحی محوطه در مجموع تعداد ۴۷ قطعه سفال جمع‌آوری شد. همچنین در سطح محوطه آجرهای پراکنده زیادی وجود داشت که شرح کامل آن در گزارش محوطه مذکور به تفصیل ذکر شده است (مرادی، ۱۳۹۲).

در این پژوهش نیز به مانند اکثر پژوهش‌های باستان‌شناسی، بر اساس مطالعه و مقایسه سفال‌های گردآوری شده به گاهنگاری و تعیین دوره‌های باستان‌شناسی محوطه کول‌خزینه پرداخته شده است. با مطالعاتی که بر روی داده‌های گردآوری شده انجام گرفت، مشخص شد که این داده‌ها به ۵ دوره یا مرحله فرهنگی تعلق دارند.

میزان فراوانی سفال‌های دوره اول، یعنی قدیمی‌ترین دوره بسیار کم است و به ندرت قطعاتی از این نوع سفالینه در سطح و دامنه‌های محوطه دیده می‌شود، در طی بررسی محوطه کول‌خزینه، ۳ نمونه از این نوع سفالینه شناسایی گردید که همگی، قطعات ریز مربوط به بدنه هستند (طرح ۱). مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از اینست که این گروه از سفالینه‌ها به دوران پیش از تاریخ تعلق دارند.

از دوره دوم ۹ قطعه سفال جمع‌آوری گردید که شامل پنج قطعه لبه، سه قطعه بدنه و یک قطعه مربوط به کف می‌شود (طرح ۲). دو نوع تزئین بر روی سفال‌های این گروه به کار رفته است که عبارتند از تزئینات منقوش و تزئینات تجسمی. بر روی دو مورد از نمونه‌ها تزئینات منقوش به رنگ قهوه‌ای تیره به کار رفته است. بر روی چهار مورد از نمونه‌ها نیز تزئینات تجسمی به صورت نوار برجسته، باند افزوده و نوار افزوده مزین به نقش فشار انگشتی به کار رفته است. مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای نشان می‌دهد که سفال‌های این گروه بیشترین شباهت‌ها را با یافته‌های مکشوفه از لایه‌های ۱۲-۷ شهر شاهی I (دوره IV شوش)، به ویژه یافته‌های مکشوفه از لایه‌های ۸-۷ (دوره IVB شوش) و نیز یافته‌های مکشوفه از لایه‌های مرتبط با دوره سلسله‌های قدیم III تا دوره آکد جدید در نیپور و نیز نهشت‌های فرهنگی مرتبط با دوره سلسله‌های قدیم III تا دوره آکد جدید در منطقه دیاله دارند. در واقع، سفال‌های این گروه از نوع سفال‌های دوره IVB شهر شاهی I در شوش است.

از دوره سوم تعداد ۱۴ قطعه سفال گردآوری و طراحی شده است که شامل ۱۲ قطعه لبه، یک قطعه بدنه و یک ظرف کوچک نسبتاً سالم می‌شود (طرح ۳). میزان فراوانی سفال‌های این گروه نسبت به سفال‌های دو گروه قبلی در سطح و دامنه‌های محوطه بیشتر است و راحت‌تر یافت می‌شوند. بر روی هیچکدام از نمونه‌ها تزئینات منقوش به کار نرفته است، لیکن تزئینات تجسمی نسبتاً متنوعی دیده می‌شود که عبارتند از: نوارهای کنده مستقیم افقی، نوارهای کنده موجدار افقی یا ترکیب نوارهای کنده مستقیم و موجدار، نوارهای برجسته،

نقش‌کننده شانه‌ای و نوار برجسته، باند افزوده و ترکیب پرکار نوارهای کنده شانه‌ای موجدار به اشکال متنوع به همراه نوارهای مستقیم و نقوش نیشگونی. بر روی لبه دو نمونه از سفال‌ها نوارهای برجسته به کار رفته است (طرح ۳: ۵ و ۹). این نوع لبه‌ها که به لبه‌های شیاردار مشهور است، یک گونه از سفال‌های شاخص دوره شیماشکی در خوزستان است (Carter 1991: 294). مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از اینست که سفال‌های این گروه بیشترین شباهت را با سفال‌های مکشوفه از لایه‌های ۶ - ۳ شهر شاهی I (دوره ۷ شوش)، سفال‌های مکشوفه از لایه‌های BVI-BVII کارگاه B شهر شاهی، سفال‌های مکشوفه از نهشت‌های باستانی دوره اور III در آکروپل شوش، سفال‌های مکشوفه از لایه‌های دوره‌های اور III تا ایسین‌لارسا در نیپور و سفال‌های دوره‌های اور III تا ایسین‌لارسا در منطقه دیاله عراق دارد. در واقع، سفال‌های این گروه از نوع سفال‌های دوره ۷ شهر شاهی I شوش است. قسمت عمده مطالعات مقایسه‌ای روی سفال‌های این دوره شهر شاهی I با نمونه‌های میانرودانی و نیز با یافته‌های شهر شاهی BVI-BVII، نشان‌دهنده یک گستره تاریخی مابین ۱۹۰۰ - ۲۲۰۰ ق. م برای لایه‌های ۶-۳ است (Ibid, 1979: 453-454). سفال این دوره شهر شاهی I با سفال شناخته شده در شهر شاهی BVI-BVII در شوش و سفال‌های لایه‌هایی که به دوره‌های «اور III - ایسین‌لارسا» در میانرودان تاریخ‌گذاری شده است، شباهت نزدیکی دارد (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۷).

تعداد سفال‌های دوره چهارم پنج قطعه است که چهار قطعه مربوط به لبه و یک قطعه مربوط به بدنه می‌شود (طرح ۴). مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای، حاکی از اینست که سفال‌های این گروه بیشترین شباهت را با مجموعه سفال‌های دوره مفرغ میانه در منطقه زاگرس مرکزی دارد، به طوری که نمونه‌های قابل مقایسه با این مجموعه در میان یافته‌های مربوط به عصر مفرغ میانه مکشوفه از گودین III در منطقه کنگاور، باباجان نورآباد، گوران هلیلان و به ویژه محوطه‌های کمترلان II و چغاسبز در منطقه رومشگان دیده می‌شود. در واقع، سفال‌های گروه چهارم از گونه سفال‌های گودین III:2 است. قطعات سفال سبوه‌های با شانه لبه‌دار (Ridged-Shoulder) رایج‌ترین قطعات سفال شاخص برای شناسایی این فاز، در مجموعه‌های گردآوری شده از بررسی‌های سطحی است (Henrickson 1986: 25). در توالی تاریخی دشت سوزیانا به دنبال مرحله شیماشکی (دوره شوش VII / ایلام قدیم II/ ۱۹۰۰-۲۲۰۰ ق. م)، مرحله سوکالماخ (شوش VI/ ایلام قدیم III حدود ۱۶۰۰/۱۵۰۰ - ۱۹۰۰ ق. م) پدیدار می‌شود. در لرستان دوره سوکالماخ هم‌زمان با گودین III:2 و گیان III ظاهر می‌شود. دوره سوکالماخ هم‌عصر با سلسله نخست بابل و سال‌های شکل‌گیری حکومت کاسی در میانرودان است (شاخ، ۱۳۸۱: ۳۵۹-۳۶۰، و ۳۶۶).

دوره پنجم شامل ۱۶ قطعه سفال است و همان‌گونه که تعداد سفال‌های این دوره نسبت به چهار دوره قبلی بیشتر است، میزان پراکنش سفال‌های این دوره نیز در سطح و دامنه‌های محوطه کول‌خزینه بیشتر است که به احتمال قوی به این دلیل است که متأخرترین دوره باستان‌شناسی کول‌خزینه است (طرح ۵). مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از اینست که سفال‌های این گروه مشابه مجموعه سفال‌های دوره ایلام میانه I مکشوفه از لایه‌های XII - XIII کارگاه A شهر شاهی و لایه‌های ۱۲ و ۱۳ شهر شاهی II در شوش و به ویژه سفال‌های مکشوفه از هفت‌تپه است. سفال‌های این گروه در واقع از نوع سفال‌های ایلامی میانه I (شوش VII / ۱۳۵۰-۱۶۰۰ ق. م) مکشوفه از هفت‌تپه است. عمومی‌ترین اشکال ظروف سفالی این مرحله را لیوان‌های پایه دگمه‌ای با شانه‌های گرد یا شیب‌دار تشکیل می‌دهد. برای توصیف کامل سفال این مرحله، می‌بایستی به

سفال‌های مکشوفه از هفت‌تپه مراجعه نمود (Carter 1991: 295). نوع سفال مکشوفه، به خصوص گروه سفالی که با پایه‌های دگمه‌ای شکل ساخته شده‌اند، کاملاً قابل‌مقایسه با سفالی است که در حدود اواسط هزارهٔ دوم ق.م در دوران کاسی‌ها در میانرودان نیز استعمال می‌شده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۳۰-۳۱ و ۴۴۰-۴۴۱). تاریخ نهایی که در آن این فرم‌های سفالینه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، حدود ۱۳۵۰ ق.م تعیین شده است (Carter 1998: 319).

۵- نتیجه

در بررسی منابع تاریخی مشخص شد که از اواسط هزارهٔ سوم ق.م و در زمان سلسله‌های قدیم میانرودان برای اولین بار به نام مرهشی اشاره می‌شود و از این دوره به بعد و در زمان سلسله‌های آکدی، اور III، ایسین‌لارسا و سلسله کاسی‌های بابل، کم‌وبیش از سرزمین مرهشی نام برده شده است. از سوی دیگر مشخص گردید که در ناحیه‌ای در شمال یا شمال‌غربی دشت خوزستان، یعنی در منطقهٔ پشتکوه استان ایلام، که در حد واسط بین شوش و بابل قرار دارد بایستی به جستجوی منطقهٔ مرهشی پرداخت. بر اساس مطالعهٔ مواد فرهنگی که در جریان بررسی باستان‌شناسی محوطهٔ کول‌خزینه به دست آمده می‌توان گفت که این محوطه در سراسر دوره‌ای که از مرهشی در منابع تاریخی نام برده شده، مسکونی بوده است. محوطهٔ کول‌خزینه در موقعیت جغرافیایی بسیار مناسبی در شمال‌غرب دشت خوزستان واقع است. نوع و حجم مواد فرهنگی پراکنده در سطح و دامنه‌های آن حاکی از اینست که این محل در قسمت عمدهٔ دوران تاریخی ایلام باستان یکی از محوطه‌های باستانی مهم منطقه بوده است.

از نظر توالی فرهنگی می‌توان گفت که کول‌خزینه دربرگیرندهٔ مواد فرهنگی ۵ دوره یا مرحلهٔ مختلف است. دورهٔ اول مربوط به دورهٔ پیش از تاریخ است. براساس یافته‌های در دسترس چنین به نظر می‌رسد که بعد از این دوره، کول‌خزینه برای مدت زمان نامشخصی متروکه می‌گردد. سایر دوره‌های استقرار در این محوطه مرتبط با دوران تاریخی ایلام است. قسمت اعظم انباشت‌های فرهنگی به‌دست آمده مربوط به همین دوران است. با بررسی مواد فرهنگی به دست آمده در طی بررسی‌های کول‌خزینه، چنین به نظر می‌رسد که این محوطه در قسمت اعظم دوران ایلام باستان و از حدود ۲۴۰۰ تا ۱۳۵۰ ق.م مسکونی بوده است. دوره‌های اخیر آن که مرتبط با دوران ایلامی هستند متوالی و پشت‌سر هم ادامه دارند. در واقع، بعد از این که در دورهٔ شوش IVB این محوطه برای دومین بار مورد توجه قرار گرفت، ظاهراً تا پایان دورهٔ ایلام میانه I، استقرار در آن بدون وقفه تداوم داشته است. آخرین دورهٔ فرهنگی استقرار در این محوطه، دورهٔ ایلام میانه I است که از نظر فرهنگی، یافته‌های باستان‌شناسی آن دارای نزدیک‌ترین شباهت‌ها با مواد فرهنگی مکشوفه از هفت‌تپه هستند. به نظر می‌رسد که حملهٔ کوری گالزوی دوم (۱۳۲۴-۱۳۴۵ ق.م) باعث ویرانی و متروکه شدن هفت تپه شده، زیرا همان طور که از منابع تاریخی برمی‌آید در حدود ۱۳۰۰ ق.م سلسله ایگهالکی تشکیل می‌شود و مهم‌ترین پادشاه این سلسله اوتناش‌گال (۱۲۴۵-۱۲۶۵ ق.م) بوده که شهر دوراوتناش و زیگورات چغازنبیل را احداث نموده است. در واقع، درست قبل از احداث شهر دوراوتناش و زیگورات چغازنبیل، هفت‌تپه به عنوان یک مرکز مهم ایلامی متروکه گردید. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که حملهٔ کوری‌گالزو موجب متروکه شدن

هفت‌تپه و کول‌خزینه شده است. زیرا آخرین دوره استقرار در کول‌خزینه همزمان با هفت‌تپه یا دوره ایلام می‌باشد.

در نتیجه، براساس مطالعه و تجزیه و تحلیل منابع تاریخی و مقایسه نتایج حاصله با یافته‌های باستان‌شناسی می‌توان گفت که محوطه کول‌خزینه، به احتمال زیاد همان مرهشی باستان یا یک مرکز استقرار مهم مرتبط با آن منطقه است که بعد از یک دوره هزارساله حیات مخاطره‌آمیز، سرانجام با حمله کوری‌گالزوی دوم پادشاه کاسی، حیات آن پایان یافته است و همان طوری که کوری‌گالزوی خود را حکمران مطلق ایلام و شوش و نابود کننده مرهشی می‌نامد، از این دوره به بعد دیگر هیچ نامی از مرهشی در منابع تاریخی و به ویژه به هنگام لشگرکشی‌های مختلف به میان نیامده است.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از جناب آقای دکتر خداکرم مظاهری به خاطر راهنمایی‌ها و در اختیار گذاردن برخی منابع تشکر و قدردانی نمایم.

پی‌نوشت

۱. در اینجا منظور از منطقه پشتکوه یعنی سرزمین جنوب کبیرکوه در حوزه استان ایلام که به طرف مرز کشور عراق می‌باشد. به بقیه سرزمین استان ایلام که در شمال کبیرکوه واقع است، پیشکوه گفته می‌شود (خیتال، ۱۳۶۹: ۱۱۶-۱۱۷ و ۱۷۶ و امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۶۷).

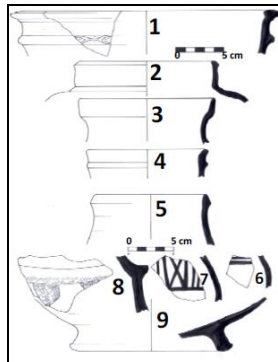
ضمائم



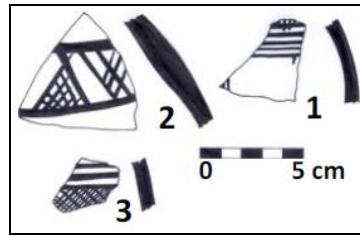
تصویر ۱: محوطه کول‌خزینه، دید از شرق، (مأخذ: نگارنده)



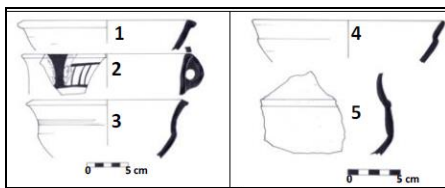
نقشه ۱: موقعیت محوطه کول‌خزینه در جنوب غرب کشور، (مأخذ: نگارنده)



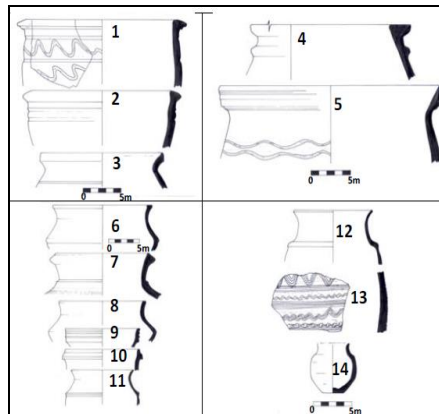
طرح ۲: سفال‌های دوره دوم



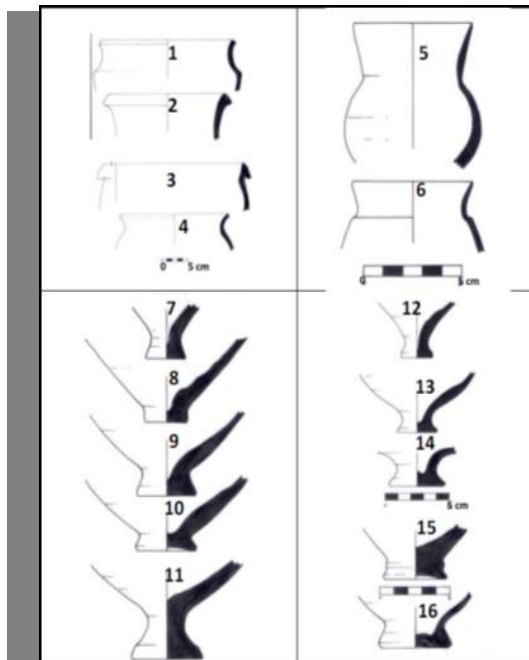
طرح ۱: سفال‌های دوره اول



طرح ۴: سفال‌های دوره چهارم



طرح ۳: سفال‌های دوره سوم



طرح ۵: سفال‌های دوره پنجم

منابع

- امام شوشتری، سید محمدعلی (۱۳۳۱)، تاریخ جغرافیایی خوزستان، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران.
- پاتس، دنیل، تی (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، [ترجمه زهرا باستی]، انتشارات سمت، تهران.
- جانسون، گرگوری (۱۳۸۱)، «نه هزار سال تغییر اجتماعی در غرب ایران» در باستان‌شناسی غرب ایران، [گردآورنده: فرانک هول، ترجمه زهرا باستی]، انتشارات سمت، تهران: ۵۶۳-۵۸۶.
- خیتال، جعفر (۱۳۶۹)، مجموعه آراء در مورد سرزمین پشتکوه ایلام، ناشر کتابخانه اسماعیلی، چاپخانه فرهنگ، ایلام.
- سیدسجادی، سید منصور (۱۳۸۸)، باستان‌شناسی شبه قاره هند، انتشارات سمت، تهران.
- شاخت، رابرت (۱۳۸۱)، «فرهنگ‌های تاریخی اولیه» در باستان‌شناسی غرب ایران، [گردآورنده: فرانک هول، ترجمه زهرا باستی]، انتشارات سمت، تهران: ۳۴۰-۴۰۴.
- کارتز، الیزابت، «شوش شهر شاهی» در شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، [ترجمه هایده اقبال]، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶: ۷۱-۸۷.
- کامرون، جورج (۱۳۷۲)، ایران در سپیده دم تاریخ، [ترجمه حسن انوشه]، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد ۱، تاریخ سیاسی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مرادی، ابراهیم (۱۳۸۴)، گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان آبدانان (بخش مورموری)، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ایلام.
- مرادی، ابراهیم (۱۳۹۲)، بررسی، شناسایی و تحلیل داده‌های محوطه باستانی کول خزینه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲)، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- نیکنمایی، کمال‌الدین و رفیعی علوی، بابک، «چرا جای نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، سال اول، شماره نخست، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران ۱۳۸۸: ۱۹۹-۲۱۵.
- والا، فرانسوا، «خلاصه‌ای از عوامل جغرافیایی ایلام»، در شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، [ترجمه هایده اقبال]، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۶: ۱۸۸-۱۹۶.
- هینتس، والتر (۱۳۷۱)، دنیای گم شده عیلام، [ترجمه فیروز فیروزنیا]، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

Carter, E., 1991. Ceramics VII- VIII, the early Bronze Age in south western and southern Persia, *Encyclopedia Iranica* 5, fasc.3: ۲۹۷-۲۹۴

Carter, E., 1998. The archaeology of Ilam, *Encyclopedia Iranica* 8, fasc 3: 313-325.

Henrickson, R. 1986. A regional perspective on Godin III cultural development in central western Iran, *Iran* 24: 1-57.

Henrickson, R. 1987. Godin III and the chronology of central western Iran ca. 2600-1400 B. C. in: Hole, F., (ed.), *The archaeology of western Iran*, Washington DC: Smithsonian Institution Press, pp., 205-227.